

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefatefarhangi.2024.5000729 dor 20.1001.1.20088582.1403.15.4.2.0

The Typology of Holistic Religiosity in Practice; A Case Study of Elite Students at Tehran and Sharif Universities

✉ **Mohammad Seyed Ghorab**  / MA in Sociology, Allameh Tabatabaei University seyed466@yahoo.com
Mohammad Yaribeygi Darvishvand / PhD Student of Cultural Sociology, Allameh Tabatabaei University
yaribeygi733@gmail.com

Saber Ja'fari Kafiabad / Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabatabaei University
saberjafari65@gmail.com

Mehdi Vahidi Asl / PhD Student of the Sociology of Iranian Social Issues, University of Tehran
Received: 2024/05/17 - Accepted: 2024/08/19 m.vahidi1412@gmail.com

Abstract

Religiosity has many variations. Today, the ineffectiveness of classifying individuals into two categories of religious and non-religious in measuring religiosity is more evident than before. Therefore, it is necessary to identify the types of religiosity. The great influence of elites on the destiny of societies increases the importance of studying religiosity. This study examines the academic elites who, while simultaneously believing in the three principles of monotheism, prophecy, and resurrection, believe in transpersonal dimensions and express their belief in social rules. In this study, based on the grounded theory method, a conceptual framework consisting of 23 components under 6 axes of conversation was used to measure the epistemic religiosity of the interviewees. Analysis of the collected data led to the distinction of three groups: “non-believers in the principles of religion,” “non-believers in Sharia,” and “believers in Sharia.” The latter group is divided into several other groups, one of which is “holists in practice.” In this study, due to the diversity and breadth of the data, only the epistemic positions of students in this category are studied. Under this category, three types were found: “Cautious”, “Combined (persuasive-argumentative)”, and “Argumentative”.

Keywords: Measuring religiosity, typology, religiosity, elites, students, religious holists.

نوع مقاله: پژوهشی

گونه‌شناسی دین‌داری کل‌گرایان اعتنا‌مند در عمل مطالعه موردی دانشجویان نخبه دانشگاه‌های تهران و شریف

seyed466@yahoo.com

yaribeygi733@gmail.com

saberjafari65@gmail.com

m.vahidi1412@gmail.com

محمد سیدغراب /  کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد یاری‌بیگی دروی‌شوند / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

صابر جعفری کافی‌آباد / استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهدی وحیدی اصل / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

چکیده

دین‌داری امری است که تلون بسیاری می‌پذیرد و امروزه نیز ناکارآمدی طبقه‌بندی دوگانه افراد، صرفاً در دو دسته دین‌دار و بی‌دین در سنجش دین‌داری واضح‌تر از گذشته است و به همین سبب شناخت گونه‌های دین‌داری ضروری می‌نماید. تأثیرات برجسته نخبگان بر سرنوشت جوامع بر اهمیت مطالعه دین‌داری در بین آنان می‌افزاید و این پژوهش نیز به بررسی آن دسته از نخبگان دانشگاهی می‌پردازد که در عین اعتقاد توأمان به اصول سه‌گانه توحید، نبوت و معاد قائل به ساحت‌های فرافردی بوده و اظهار اعتقاد به بایدها و نبایدهای اجتماعی کرده‌اند. در این پژوهش به مقتضای روش داده‌بنیاد از چارچوبی مفهومی متشکل از ۳۳ مؤلفه ذیل ۶ محور جهت سنجش دین‌داری معرفتی مصاحبه‌شوندگان و به‌عنوان محورهای گفت‌وگو با آنان استفاده شد. تحلیل داده‌های گردآوری شده، منجر به تمایز سه دسته «غیرمعتقدین به اصول دین»، «غیرمعتقدین به شریعت» و «معتقدین به شریعت» شد. دسته اخیر نیز به چند دسته دیگر تقسیم می‌شود که یکی از آنها «کل‌گرایان اعتنا‌مند در عمل» هستند. در این تحقیق به‌سبب تنوع و گستردگی داده‌ها تنها به مطالعه مواضع معرفتی دانشجویان در این دسته پرداخته می‌شود. در ذیل این دسته سه گونه «احتیاطی»، «ترکیبی (اقتاعی - استدلالی)» و «استدلالی» یافت شد.

کلیدواژه‌ها: سنجش دین‌داری، گونه‌شناسی، دین‌داری، نخبگان، دانشجویان، کل‌گرایان دینی.

مقدمه

هزاران سال است که دین تأثیر نیرومندی بر انبای بشر داشته است. قدیمی‌ترین جوامعی که می‌شناسیم و از آنها فقط یافته‌های باستان‌شناسی در دست داریم، نشانه‌های واضحی از نمادها و مناسک دینی از خود بجا گذاشته‌اند (کیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۶۶). تفسیری دینی و متافیزیکی از طبیعت و جهان، وجه غالبی در فرهنگ‌های گوناگون داشته است. البته نگاه غیردینی به عالم و آدم گرچه در گذشته تاریخ نیز حضور داشته و لکن در هیچ یک از دوره‌های پیشین از بعد فرهنگی و تمدنی غلبه نیافته است. غلبه و رسمیت این نگاه مختص به دنیای مدرن است (پارسانیا، ۱۴۰۱، ص ۴۹). هرچند به‌زعم برخی امروزه از نقش دین در جوامع مدرن کاسته شده است، اما در مقابل، برخی دیگر به کاهش این نقش آفرینی اعتقادی ندارند تا جایی که حتی فرایند سکولار شدن را نیز به‌معنای تغییر شکل دین در نظر می‌گیرند؛ نه نشانه‌ای برای کنار رفتن آن (Luckmann, 1963). در مقام بیان اهمیت مطالعات دین و دین‌داری این تعبیر ویر بسیار گویاست که رفتار آدمیان در جوامع گوناگون فقط وقتی فهمیدنی است که در چارچوب تلقی کلی آنان از هستی قرار داده شود؛ اصول جزمی دینی و تعبیر آنها جزئی از این جهان‌بینی است (آرون، ۱۳۸۶، ص ۶۰۰). بنابراین عجیب نیست که اهتمام به پژوهش و مطالعات پیرامون دین نه‌تنها روند رو به کاهشی را طی نکرده، بلکه شاهد رشد کمی و کیفی این تحقیقات در دهه‌های اخیر هستیم. البته توجه به این مطالعات را نباید به حکومت‌ها و دولت‌های دینی منحصر کرد؛ چراکه پرداختن به این موضوع در محافل دانشگاهی و مراکز پژوهشی کشورهای غربی نیز از رواج شایانی برخوردار است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

تکثر در دین‌داری و خلق گونه‌های جدید به لحاظ کمی و کیفی در جهان مدرن بیش از هر دوره دیگری نمود پیدا کرده است. توسعه نهاد‌های مدرن در جوامع در حال توسعه نیز سبب شده، نسبت نهاد دین با دیگر نهاد‌های اجتماعی دستخوش تحول شود و مجموعه آگاهی‌های همراه با نهاد‌های مدرن گسترش پیدا کنند و شیوه دین‌داری افراد نیز تغییر کند. از سوی دیگر، دانشجویان نیز همواره به‌عنوان مهم‌ترین حاملان این آگاهی مدرن (Modern Consciousness Carriers) در حوزه جهان‌بینی علمی (برگر و دیگران ۱۳۸۱؛ Berger, 1967) محسوب شده و مطالعه دین‌داری در بین آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این میان با دقت در احوال دانشجویانی که در کران بالای شاخص‌های دین‌داری قرار دارند درمی‌یابیم که با گروهی همسان روبه‌رو نیستیم، بلکه این نوع دین‌داری نیز اشکال و تنوع خاص خود را دارد. بنابراین شناخت این تکثرات سبب می‌شود تا در مواجهه با دین‌داری و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن، هر نوع و گونه احکام خاص خود را داشته باشد و هرگونه سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی در حوزه دین و دین‌داری بدون مطالعه، شناخت و توجه به این تنوع‌ها و تکثرات ناقص است و به مقصود نخواهد رسید. در تحقیقات موجود پژوهشگران به‌طور معمول ابعاد متنوع و گوناگون دین‌داری به صورت توأمان مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در این پژوهش به‌منظور دستیابی به یافته‌هایی عمیق‌تر و تفصیلی‌تر، صرفاً بر بعد معرفتی دین‌داری تأکید شده است.

با توجه به مسئله مورد بررسی در این پژوهش می‌توان به‌طور کلی عنوان داشت که افراد در مواجهه با عقاید اصیل دینی (توحید، نبوت و معاد) یا معتقد به همه آنها هستند و یا غیر معتقد به آنها. در صورت اول نیز یا ایشان اعتقادی به تأثیر عقاید دینی در سایر شئون زندگی مانند اخلاق و رفتار ندارند و یا ایشان بدین امر معترف هستند. به بیان دیگر، افراد پس از پذیرش اصول عقاید اصلی دین، یا معتقد به عدم نیاز به شریعت در زندگی این‌دنیایی هستند و یا لزوم نیاز به شریعت را باور دارند. در نهایت نیز می‌توان گفت که افراد معترف به تأثیر عقاید دینی در سایر شئون زندگی (معترفین به شریعت) در هنگام عمل یا بدین امر اعتنا دارند و یا علی‌رغم باور به تأثیر عقاید دینی و گستردگی دین هنگام عمل به این مطلب و اقتضائات آن توجهی ندارند و در معادلات روزمره زندگی‌شان دین به‌صورت عینی تأثیرگذار نمی‌باشد. افراد اعتنامند نیز خود به دو دسته دین‌دار کل‌گرا و گزینشی تقسیم می‌شوند. بدین معنا که افراد دین‌دار گزینشی قائل‌اند که دین تنها در برخی از ساحت‌های زندگی باید جریان داشته باشد، اما دین‌داران کل‌گرا قائل‌اند که دین در تمام شئون زندگی قابلیت جریان پیدا کردن را دارد و دین باید بر تمامی ساحت‌های زندگی حکم‌فرما باشد. بر اساس این تقسیم‌بندی در مجموع ۲۱ گونه مختلف دین‌داری به‌دست آمد که به دلیل تنوع و گستردگی داده‌ها و ضرورت پردازش دقیق نسبت به هریک از دسته‌های استخراج‌شده، در این مقاله تنها به مطالعه گونه‌شناسی دین‌داری دانشجویان با تأکید بر مبانی معرفتی کل‌گرایان دینی پرداخته می‌شود و سایر گونه‌ها در مقالاتی جداگانه ارائه خواهند شد. با توجه به مطالب پیشین سؤال اصلی این پژوهش از این قرار است: گونه‌های مختلف دین‌داری کل‌گرایان اعتنامند در عمل کدام است؟

پیشینه پژوهش

دین‌داری و مسائل مربوط به آن به جهت اهمیت همواره بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های متفکران و اندیشمندان را به خود معطوف کرده است. به‌طور کلی در این زمینه برخی محققان قسمتی از پژوهش خود را به دسته‌بندی مطالعات دین‌داری اختصاص داده‌اند. به‌عنوان نمونه، از یک منظر، این مطالعات در قالب دو رهیافت کلی معرفت‌شناسانه و جامعه‌شناسانه طبقه‌بندی شده‌اند. رهیافت معرفت‌شناسانه، مطالعاتی را دربر می‌گیرد که عمدتاً روشنفکران دینی بدان پرداخته‌اند. این مطالعات با «شیوه گونه‌شناسی قیاسی» و بدون حضور در میدان تحقیق انجام شده‌اند (حسن‌پور و ربانی، ۱۳۹۳). در رهیافت جامعه‌شناسانه نیز مطالعات دین‌داری به سه دسته تفکیک می‌شود: دسته اول مطالعاتی است که با شیوه گونه‌شناسی استقرایی و با روش گونه‌شناسی کیفی و با ابزار مصاحبه الگوی گونه‌شناسی خود را سامان می‌دهند؛ دسته دوم از مطالعات با شیوه قیاسی و روش گونه‌شناسی کمی و پیمایشی به تحقیق درباره انواع دین‌داری پرداخته‌اند؛ دسته سوم نیز با مرور نظریات و پیشینه مباحث در باب انواع دین‌داری مدل گونه‌شناسی یک پژوهشگر را برگزیده‌اند و آن مدل را در مورد جامعه خود آزمون کرده‌اند (حسن‌پور و شجاعی‌زند، ۱۳۹۳). از آنجاکه موضوع این نوشتار به بعد معرفتی دین‌داری در بین دانشجویان نخبه معتقد به شریعت اختصاص دارد، تعداد آثار اندکی

را می‌توان به این موضوع مرتبط دانست و پیشینه این پژوهش به‌شمار آورد. در اینجا به دلیل محدودیت‌های حجمی مقاله، از بیان محتوای مقالات مورد بررسی خودداری می‌شود.

اما در میان تحقیقاتی که مورد بررسی قرار گرفت، مطالعه بعد معرفتی دین‌داری در بهترین حالت صرفاً یکی از ابعاد پژوهش را تشکیل داده است. به عبارت دیگر، تلاش کرده‌اند که بعد معرفتی، رفتاری و عاطفی را به صورت توأم با یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و ارائه یافته‌ها در همه ابعاد، از دقت و بحث تفصیلی در هر بعد کاسته است. در این میان هرچند که نویسندگان با دغدغه بررسی دین‌داری معرفتی دست به تحقیق زده‌اند، ولی همگی یکی از وجوه دین‌داری را وجه معرفتی آن معرفی کرده‌اند. اما بسیاری از کنشگری‌های انسان تحت تأثیر جهان‌بینی و معنایی است که او به جهان اطراف خود نسبت می‌دهد. همان‌طور که وبر باور دارد، زمام اختیار اغراض و کنش‌های انسان در دست جهان‌بینی اوست (آرون، ۱۳۸۶، ص ۶۱۳). بنابراین لازم است که به‌صورت تفصیلی به این بعد از دین‌داری پرداخته شود.

روش پژوهش

هدف عمده رهیافت نظریه زمینه‌ای، کاوش در فرایندهای اجتماعی و موضوع‌هایی است که ماهیت فرایندی، سیال و در حال شدن دارند. برای مثال موضوع‌هایی مانند هویت، مواضع ارزشی و نظایر آن می‌توانند از طریق روش‌شناسی زمینه‌ای مورد بررسی قرار گیرند (محمدپور، ۱۴۰۰، ص ۲۸۲). بنابراین اغلب زمانی نظریه زمینه‌ای یا مبنایی به‌عنوان روشی برای پاسخ به مسئله استفاده می‌شود که درباره سؤال مورد نظر اطلاعات کافی در اختیار نیست و دانش تجربی موجود امکان فهم دقیق و قابل اتکا از حوزه مورد پوشش را فراهم نکرده است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶). ارکان اساسی روش نظریه مبنایی نمونه‌گیری نظری، حساسیت نظری، مقایسه دائم و کدگذاری و تجزیه و تحلیل است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲). پس از پاسخ به برخی پرسش‌های اولیه، آغاز پژوهش با نمونه‌گیری و گردآوری داده‌هاست. پژوهشگر هم‌زمان با گردآوری داده‌ها کار تحلیل داده‌ها را نیز شروع می‌کند (کرسول، ۱۳۹۱، ص ۸۷). شیوه نمونه‌گیری اغلب پژوهش‌های کیفی به‌ویژه نظریه مبنایی، هدفمند است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۳). روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود، اما از دیگر روش‌های مکمل و ملازم نیز استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۴۰۰، ص ۲۸۳). در حین گردآوری داده‌ها توجه به مفهوم هربرت بلومر درباره «مفاهیم حساس» می‌تواند بسیار مفید باشد (محمدپور، ۱۴۰۰، ص ۲۸۳) و کشف نظریه در داده‌ها به حساسیت نظری نیازمند است، یعنی دیدن آنچه که در جلوی ما ظاهر می‌شود آن هم عمقی تحلیلی (اشتروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۷۶). بدین منظور مصاحبه‌های عمیقی در چند مرحله با دانشجویان ترتیب داده شد که در هر مرحله سعی شد بر غنای مفاهیم حساس افزوده شود. نظریه مبنایی بر این منطق استوار است که مقولات بر اساس روش‌های تطبیقی تحلیل داده‌ها ساخته می‌شود (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۱). مقایسه دائم فرایندی است که به‌موجب آن داده‌ها به‌تدریج به هسته اولیه‌ای برای نظریه در حال ظهور ارتقا می‌یابند. مقایسه دائم محقق را وادار به بازاندیشی در داده‌ها و آغاز مفهوم‌سازی از داده‌ها

می‌کند و هدف از آن تولید نظام‌مندتر نظریه است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶). در این پژوهش نیز هم‌زمان با کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرایند مقایسهٔ دائم بین کدگذاری‌ها و مقولات و سایر داده‌ها از طریق یادداشت‌های تحلیلی برای پیشرفت نظری صورت پذیرفت.

مرحلهٔ کدگذاری دربارهٔ تجزیه و تحلیل داده‌هاست. کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد، مفهوم‌پردازی و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند (اشتروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۵۷). کدگذاری در روش‌های دیگر مسیر نسبتاً مشابهی دارد، اما کدگذاری در نظریهٔ مبنایی دقیق‌تر، جزئی‌تر و البته نظری‌تر است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴). در این پژوهش به لحاظ صوری در طبقه‌بندی و نظم‌بخشی به داده‌ها از همان اصول کدگذاری روش نظریهٔ داده‌بنیاد پیروی شده است.

همان‌طور که گفته شد پرداختن به بعد معرفتی در میان مطالعات دین‌داری بیشتر به صورت کلی و در کنار سایر ابعاد صورت پذیرفته است. در نتیجه داده‌های قابل‌اعتنایی دربارهٔ بعد معرفتی دین‌داری در دسترس نمی‌باشد. بدین جهت با توجه به فقدان داده‌های کافی و همچنین هدف و موضوع این پژوهش، نظریهٔ داده‌بنیاد به‌عنوان رهیافت این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. همچنین این رهیافت عمدتاً برای مقوله‌بندی و سخن‌شناسی پدیده‌ها به کار می‌رود (اشتروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

در این پژوهش نیز ابتدا با استفاده از روش داده‌بنیاد ادبیات نظری موجود در این زمینه بررسی شد و در نهایت چارچوبی کلی و اولیه متضمن ۸۱ شاخص برای بررسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به وجوه مختلف دین تنظیم شد. سپس در بیست مصاحبه که به صورت مصاحبه‌های باز و به دلیل طولانی بودن، در چند مرحله با دانشجویان انجام شد و مواضع دانشجویان نسبت به این مؤلفه‌ها ارزیابی شد. ملاک انتخاب نمونه‌ها در میان دانشجویان، نخبگی و برجستگی آنان دست‌کم در یکی از ابعاد آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. تشخیص نخبگی آنها در این حوزه‌ها نیز به‌وسیله معیارهایی از قبیل قرار داشتن در میان رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری، المپیادهای علمی، چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار در میان قشر دانشجو و مانند آن صورت گرفته است. اگرچه محصلان در دانشگاه‌های تهران و شریف جزء رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری هستند؛ اما در میان این دانشجویان نیز افراد برتر جهت مصاحبه شناسایی و انتخاب شدند. نظریهٔ مبنایی مبتنی بر استقرای تحلیلی در برابر قیاس و بر مبنای یک فرایند است و اگرچه با استقرا آغاز می‌شود؛ اما در ادامه مستلزم دستیابی به ایده‌های مفهومی و لاجرم رفت و برگشت بین مشاهدات و مفاهیم نظری است (ذکایی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱). بدین جهت در یک فرایند رفت و برگشتی، مقولات و مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و شاخص‌های به‌دست‌آمده از اسناد به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌های یکسان در هر دو بخش مشخص شدند. بنابراین با استفاده از کدگذاری محوری نتایج حاصل از بیست مصاحبهٔ اول و نتایج حاصل از مطالعات نظری، چارچوبی متشکل از ۲۳ شاخص به‌عنوان قدر مشترک شاخص‌ها در قالب شش محور اصلی تنظیم شد.

در نهایت جهت سنجش شاخص‌های منتخب طی سی مصاحبه دیگر، مجدداً هر کدام از شش محور فوق به همراه شاخص‌های مرتبط مورد ارزیابی قرار گرفت که حاصل آن ارائه گونه‌های مختلف دین‌داری در بعد معرفتی بود. البته این پژوهش به لحاظ صوری در طبقه‌بندی و نظم بخشی به داده‌ها از همان اصول کدگذاری‌های روش نظریه زمینه‌ای پیروی می‌کند، اما به لحاظ محتوای داده‌های گردآوری شده روایت‌ها و مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته در قالب چارچوب مفهومی تنظیم شده از تکنیک روایت پژوهی پدیدارشناسانه برای تحلیل استفاده شده است.

چارچوب مفهومی

در یک تعریف جامع، دین، همان شیوه و راه و رسم زندگی است که از میل به کامروایی و نوع تفسیر از هستی و انسان ناشی می‌شود؛ سنتی عملی برخاسته از اعتقاد است؛ برنامه زندگی است که بر اصل اعتقادی استوار است و از آن جدایی ندارد (طباطبائی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۵-۲۷؛ ۱۳۸۸ ب، ص ۲۴-۲۵). طبق این دیدگاه در جایی که دین وجود داشته باشد حداقل به‌طور مسلم یک سلسله اهداف و تمایلات به خوشبختی و باورهای مرتبط و تا حدودی منسجم درباره هستی و انسان نیز وجود دارند که یک وحدت و کلیتی مجزا به خود گرفته‌اند و به یک سری دستورالعمل‌ها و اعمال خاصی می‌انجامند. البته این باورها و دستورالعمل‌های متناسب با آن ممکن است بسیار اندک و مختصر بوده و یا آن قدر مفصل و حجیم باشد که بتوان نام نظام اخلاقی را هم روی آنها گذاشت؛ همان‌طور که در دین اسلام شاهد آن هستیم. همچنین در ادامه نیز ممکن است این شیوه و راه و رسم زندگی از ساحت فردی خارج شده و به آداب، سنت یا عاداتی جمعی و فراگیر تبدیل شود.

در این پژوهش با استفاده از کدگذاری محوری نتایج حاصل از بیست مصاحبه اکتشافی اول، چارچوبی متشکل از مفاهیم مرتبط در قالب ۲۳ مؤلفه ذیل شش محور اصلی تنظیم شد. این ۲۳ مؤلفه بر اساس شاخص‌هایی چون حساسیت بالا و قدرت تمایزگذاری بیشتر مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین انتخاب شدند. این شبکه مفاهیم به مقتضی روش داده‌بنیاد به مثابه ابزاری جهت سنجش دین‌داری معرفتی سایر مصاحبه‌شوندگان و به‌عنوان محورهای گفت‌وگو با آنان مورد استفاده قرار گرفت.

شش محور اصلی متشکل از نگرش به دین، انتظار از دین، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی و مبانی اخلاق و ارزش‌شناختی، محورهایی هستند که می‌توان در چارچوب آنها به‌طور جامع رابطه مواضع معرفتی فرد با دین را بررسی کرد. در ذیل هر محور، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی قرار می‌گیرند که در مقاله‌ای مجزا (یاری‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۳) بدان پرداخته شده و در این نوشتار به توضیح مختصری از آنها بسنده می‌کنیم.

۱. محور نگرش به دین: بنیادی‌ترین باورهای فرد درباره دین و خداوند در این محور طرح می‌شود که مشخصاً مباحث ناظر به اصل توحید از اصول اعتقادی را تحت پوشش قرار می‌دهد. تعاریف متعددی توسط دین‌شناسان از دین در بعد معرفتی ارائه می‌شود. وجود تعدد و تنوع فراوان در این تعاریف برخاسته از تعدد رویکرد مطالعه (کلامی،

تاریخی و مانند آن) و تنوع رهیافت (کارکردگرایانه، عقل‌گرایانه، شهودی و مانند آن) و همچنین ناشی از تکثر صورت دین در تحقق خارجی است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۱). هریک از این تعاریف ویژگی و عناصر خاصی را مورد تأکید قرار داده‌اند (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۶۹؛ Durkheim, 1915, p. 47؛ کمپانی، ۱۳۵۱، ص ۱۱۲). از ۲۳ مؤلفه پربسامد ذکرشده، چهار مؤلفه ذیل این محور قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: «نقش و تلقی خدا در زندگی»، «نسبت دین و زندگی»، «منشأ دین»، «جایگاه اهل‌بیت در دین» و «جایگاه روحانیت در دین».

۲. محور انتظار از دین: بسته به تعاریف متعددی که از دین و انسان وجود دارد، انتظارات بشر از دین نیز به گونه‌های متفاوتی تبیین می‌شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۰). گاهی این انتظارات و توقعات در تعریفی که از دین ارائه می‌شود هم قابل مشاهده است. اساساً تعاریف کارکردگرایانه در ادامه مسیر خود به نوعی انتظار و توقع از دین می‌انجامد و حتی علاوه بر آن به گمان برخی، این تعاریف درباره این انتظارات و توقعات (مثلاً اینکه دین چه نقش و یا تأثیراتی را باید در جامعه داشته باشد) به نوعی پیش‌داوری هم دچار هستند (همیلتون، ۱۳۸۹، ص ۳۷-۳۸). در هر صورت در این محور دیدگاه فرد نسبت به تعین و حضور عینی دین در زندگی عملی، اعمال و رفتار او اهمیت دارد و به ساحتی که مربوط به رفتار و احکام عملی است پرداخته می‌شود. مؤلفه‌های منتخب ذیل این محور عبارت‌اند از: «نسبت معنویت و دین»، «قلمرو دین»، «دین و سیاست» و «دین و مسائل نوپدید».

۳. محور مبانی معرفت‌شناختی: این محور صرف‌نظر از اینکه اساساً به بحث‌هایی درباره حجیت معرفتی وحی و اصل نبوت از اصول سه‌گانه توحید، معاد و نبوت دامن می‌زند، به‌عنوان بنیان رویکرد شناختی و معرفتی فرد به اصول اعتقادی مذکور، یکی از محورهای اصلی چارچوب مفهومی را شکل می‌دهد. مؤلفه‌های این محور شامل «قرائت‌پذیری گزاره‌های دینی»، «امکان شناخت واقعیت»، «قلمرو عقل»، «نسبت علم و وحی»، «نسبت عقل و وحی» و «منابع شناخت دین» می‌شود.

۴. محور انسان‌شناختی: انسان‌شناسی در اینجا دانشی است که به تحلیل حقیقت وجودی انسان می‌پردازد (الهی‌راد، ۱۳۹۵، ص ۱۶). به‌طور کلی انسان یا مرکب از دو بعد روحانی و غیبی و بعدی محسوس و مادی فرض می‌شود و یا او را فقط دارای ساختی مادی به حساب می‌آورند. در تاریخ اندیشه مکتوب، سقراط اولین فردی است که بر تمایز میان جسم و روح تأکید کرده است (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۱). در هر صورت آنچه در ذیل این محور به‌عنوان شاخص و مؤلفه اساسی مورد پرسش قرار می‌گیرد، قلمرو آزادی انسان در دین است.

آزادی در زبان فارسی معادل دو مفهوم freedom و liberty به‌کار گرفته می‌شود؛ اگرچه این دو مفهوم در زبان انگلیسی کاملاً مشابه نیستند (ر.ک: "freedom"؛ The American Heritage College Dictionary, 2002, P. 552). همچنین آزادی دارای معنایی منفی یا سلبی (بر نبود محدودیت‌ها و الزامات خارجی تأکید دارد) و مثبت یا ایجابی (بر ضرورت مداخله خصوصاً توسط دولت برای ایجاد زمینه شکوفایی مهارت‌ها و استعداد‌های افراد تأکید دارد) است

(آریلاستر، ۱۳۷۷، ص ۸۴). در نص قرآن مجید، یکی از اهداف انبیا به ارمغان آوردن آزادی اجتماعی به معنای نجات دادن افراد از اسارت و بندگی یکدیگر است (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

اختلاف اساسی در این مبحث در ابتدا حدود این آزادی و در ادامه سازوکار و شیوه تحقق و اعمال این آزادی است. تنوع دیدگاه افراد درباره مفهوم پراهمیت آزادی، شیوه‌های گوناگونی را از دین‌داری رقم می‌زند.

۵. محور مبانی غایت‌شناختی: اگر نگوییم تمامی ادیان، بسیاری از آنها به گونه‌های مختلف بخشی از آموزه‌های خود را به مسئله مرگ و زندگی پس از آن اختصاص داده‌اند. یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی که از ارکان ایمانی و اعتقادی دین اسلام است، اصل ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است. ایمان به عالم آخرت شرط مسلمانی است؛ یعنی اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند از زمره مسلمانان خارج است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۰۱).

به‌طور کلی در یک دیدگاه، زندگی معنای گسترده‌ای دارد و مرگ انتقالی به مرحله بعدی است و در دیدگاهی دیگر، زندگی در محدوده ماده تعریف شده و مرگ اختتام ناگزیر آن است (کلانتری و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۴). از سوی دیگر برخی مرگ‌باوری و توجه به آن را امری مطلوب در زندگی تلقی می‌کنند، اما در مقابل برخی نگاه مثبتی به این گونه اندیشه‌ها نداشته و پیامدهای مثبتی را بر آن بار نمی‌کنند.

در نهایت این محور به مباحثی پیرامون مرگ و دنیای پس از مرگ و نسبت این جهان با جهان بعد از مرگ مرتبط است. معادباوری، تأثیر مرگ‌باوری در انسان و رابطه هدف زندگی با آخرت‌نگری مؤلفه‌های این محور را تشکیل می‌دهند.

۶. مبانی اخلاق و ارزش‌شناختی: در رابطه با نسبت دین و اخلاق دیدگاه‌های متنوعی مطرح است. برخی دین را با گزاره‌های اخلاقی یکی دانسته‌اند و برخی دیگر به این وحدت باور ندارند و حداقل در چگونگی ارتباط و یا عدم ارتباط بین آن دو دچار اختلاف هستند (ملکیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

از سوی دیگر ذیل این محور سؤالاتی مطرح می‌شود و ارائه پاسخ‌های گوناگون به این مسائل شیوه‌های گوناگون دین‌داری را در پی دارد. سؤالاتی از قبیل اینکه «انسان در رفتار و اعمال، خود را در مقابل چه کسی مسئول می‌داند؟» و اینکه «در صورت مسئول بودن انسان، ملاک پاسخگویی فهم وجدانی و درونی است یا دلیل و حجت بیرونی؟»

همچنین از یک‌سو ارزش فعل اخلاقی و اساساً ارزش فعل اختیاری تابع هدف غایی یا متعلق نهایی نیت فاعل از انجام دادن آن کار است (مصباح، ۱۳۹۵، ص ۱۸۶-۱۹۰)؛ اما از سوی دیگر علاوه بر این امر پنهانی، صورت ظاهری اعمال نیز به جهت کارکرد و پیامدشان درجه‌ای از اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین علاوه بر شرایطی که به فاعل رفتار مربوط می‌شوند برخی شرایط نیز به خود رفتار بازمی‌گردند. پس در ذیل این محور تعیین میزان اهمیت صورت ظاهری و باطنی اعمال و رفتار در دیدگاه افراد اهمیتی اساسی دارد. بدین ترتیب مؤلفه‌های این محور عبارت‌اند از: «نسبت اخلاق با دین»، «پاسخگویی نسبت به اعمال» و «نسبت انگیزه و عمل».

یافته‌ها پژوهش

در بررسی دین‌داری دانشجویان کل‌گرا، سه‌گونه مختلف دین‌داری مطابق نمودار (۱) به‌دست آمد. در این دسته افراد دین‌دار معتقد به شریعت و اعتنامند در عمل کل‌گرا سه‌گونه احتیاطی، ترکیبی (اقتناعی - استدلالی) و استدلالی را تشکیل دادند که در ادامه سعی می‌شود با تحلیل مصاحبه‌های مربوطه، هریک از گونه‌ها به خوبی تبیین شوند.

نمودار ۱: گونه‌شناسی دین‌داری دانشجویان کل‌گرا



۱. تحلیل گونه احتیاطی

داستان تجارب زیسته مصاحبه‌شوندگان در نسبت با امر دینی از پیچیدگی‌های چندانی برخوردار نیست. «پدرم [...] نماز می‌خونه [...] روزه می‌گیره»، «خانواده من فلسفه حجاب رو قبول داره»، «مادر من قرآن می‌خونه» و... حاکی از خاستگاه مذهبی خانوادگی آنان است.

بنا بر اذعان بسیاری از مصاحبه‌شوندگان علاوه بر روند تدریجی طولانی مدتی که ایشان از آن با عنوان «رشد دینی» یاد می‌کنند، با فراز و نشیب چندانی که مسیر و شیوه دین‌داری آنان را تحت تأثیر قرار دهد، مواجه نبوده‌اند. تنها موردی که برخی به‌طور متمایز، اشاره‌ای جدی بر آن دارند، تردیدی است که با ورود به دانشگاه به وجود می‌آید: در حین ورود به دانشگاه به سری مشکلات سیاسی مذهبی راجع به ولایت فقیه پیدا کردم. [...] کلاً معتقدم که باید بهش عمل کنیم. اینکه همچنان مرجع تقلیدم رهبر هست با اینکه هنوز شک دارم، ولی مرجع تقلیدم هست و حالا راجع به احکام دین قشنگ مراجعه می‌کنم بینم چی می‌گن» (خ.ن.و، ۲۹۱ دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه شریف).

اگرچه دین‌حضور جدی در زندگی افراد این‌گونه دارد و فرد حرکت خود را در جهت دخیل ساختن هرچه بیشتر دین در زندگی خود تنظیم کرده است، اما نام مکانیزم حضور دین در زندگی آنان را می‌توان «مکانیزم احتیاط» گذاشت که البته برای فرد مؤمن به حقانیت دین، توجیه‌ها و مبانی کاملاً دینی پذیرفته‌شده‌ای دارد که در اینجا مجال طرح آنها نیست. اگر بخواهیم صورت‌بندی‌ای از این مکانیزم ارائه دهیم، وضعیتی است که اقتناع

اعتقادی و روانی یا اگر بخواهیم از تقلیل‌گرایی پرهیزیم، ایمان وی به کامل بودن و عاری و بی‌نقص بودن دین به اندازه‌ای می‌رسد که در موارد اختلاف و تعارض و ناسازگاری غیرمنطقی درونی دین یا تعارض غیرعقلانی یا نامتعارف دین با امری بیرونی، اولین پاسخی که فرد ارائه می‌دهد یا موضعی که اتخاذ می‌کند ظاهری بودن تعارض مذکور یا نادرست بودن شیوه متعارف است. در این مکانیزم، فرد بیشتر به دنبال بهانه‌ای است تا پایه‌های دین‌داری خود را تقویت کند، تا بهانه‌ای که به واسطه آن از چارچوب‌های تعریف‌شده دینی بگریزد یا طفره رود. در این رویکرد، اغلب انتقاداتی که به دین می‌شود به نحوی از خود دین برآنت داده می‌شود و به عوامل دیگری نسبت داده می‌شود؛ چراکه ایمان به بی‌عیب و نقص بودن دین گویا یک بار و برای همیشه حاصل شده است؛ البته میزان پایبندی عملی به الزامات و پیوست‌های چنین رویکردی بحث دیگری است. در مثال بالا علی‌رغم ایجاد شبهه جدی در نظر مصاحبه‌شونده در مورد جایگاه و شخص ولی فقیه، فرد «احتیاط» پیشه می‌کند و به‌راحتی از پایبندی و تعهد و التزام به این جایگاه و مقام مرجع تقلید دست نمی‌شویید. این مشخصه در تعداد زیادی از شاخص‌ها نیز اثر خود را بر جای گذاشته است. در ادامه با اجتناب از توضیحات اضافی، بیشتر مضمون محوری مذکور یعنی «مکانیزم احتیاط» توضیح داده می‌شود.

در محور مبانی معرفت‌شناختی و در بحث تعارض، این عقل است که باید در برابر وحی کوتاه بیاید. عقل در برابر وحی و دین باید از خود کرنش نشان دهد: «کلاً آدم عقل‌گرایی نیستیم، یعنی در حکم دین نمی‌تونم تشخیص بدم. متخصص نیستیم، آدم عقل‌گرایی نیستیم تو حکم دین و اینکه سعی می‌کنم کوتاه بیام، سعی می‌کنم راه پیام قشنگ». این جمله به خوبی پرهیز و احتیاط از خودآیینی را نشان می‌دهد. دین مایه سختی و تکلف نیست. اتفاقاً این ماییم که با عدول از مسیر عبودیت مایه از دست رفتن آرامش خودمان می‌شویم. همان ایده «عیب از مسلمانی ماست!» که باز هم در محور انتظار از دین نیز به انحراف مختلف خود را نشان می‌دهد. همچنین در موارد تعارض مبانی حقوق اجتماعی مدرن و حقوق اجتماعی اسلامی، با استدلال احتیاطی، امکان نادرست بودن دین اساساً منتفی است.

از نگاه برخی افراد این‌گونه، امکان هیچ نقص و خللی در دین متصور نیست. این نگاه و مکانیزم احتیاط برخی جاها در اندیشه ایشان منجر به این شده که چیزی که باید تغییر کند ماییم و دین به هیچ نحو نباید تغییر کند:

به نظر تون آیا احکام و رساله‌ها متناسب با عرف و اقتضائات روز، به‌روز باید بشن؟ من دقیقاً مشکلم با به‌روز شدن‌شون هست. حس می‌کنم شاید چون تعداد زیاد شده مثلاً دیدن کاری از دست‌مون بر نیما بداز حلالش کنیم بره به مقتضی زمان که آدم‌ها زیاد این کار رو انجام می‌دن، حلالش کردن. نمی‌دونم والا به نظر من کار چیزی هست. اصلاً مرجع تقلید حق این رو داره که نظرش عوض بشه؟! آخه مگه می‌شه حکم خدا عوض بشه مثلاً، من اصلاً نمی‌فهمم (خ.ن.و)، دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه شریف).

در نهایت باید گفت که بر اساس چارچوب مفهومی صورت‌بندی شده، می‌توان افراد این‌گونه را از حیث دین‌داری افرادی معتقد به اصول سه‌گانه دین و نیز معتقد به مؤثر بودن این اصول سه‌گانه در اعمال و رفتار دانست که اعتنایی

عملی به این اعتقاد را نیز دارا هستند. مبنای باورهای فعلی ایشان بر اساس شیوة استدلالی و در جاهایی که استدلالی نداشته باشد احتیاطی است. از آنجایی که مصاحبه‌شوندگان در ساحت نظر بر حضور همه‌جانبه دین در تمامی شئون زندگی اصرار و اذعان دارند، و در ساحت عمل راهبرد احتیاطی در برابر گزاره‌های دینی را در پیش گرفته‌اند، می‌توان آنان را کل‌گرای احتیاطی نامید.

۲. تحلیل گونه‌تربیتی (اقناعی - استدلالی)

نکته حائز اهمیت در تحلیل پیش‌زمینه‌های مذهبی افراد این‌گونه، حضور پررنگ و نقش جدی خانواده‌ها در تربیت دینی و رشد و نمو باورهای مذهبی ایشان است. تجارب زیسته افراد اساساً در بستر تربیت دینی شکل می‌گیرد. این زمینه مذهبی به اندازه‌ای قوی و تأثیرگذار است که مصاحبه‌شوندگان ارتباط با دین و عمل کردن در چارچوب آن را نه یک انتخاب، بلکه امر نااندیشیده‌ای معرفی می‌کنند که گویا راهی جز آن وجود نداشته است و حتی در روایت برخی حضور سمبلیک نمادهای مذهبی بسیار مورد تأکید است.

مصاحبه‌شوندگان در این‌گونه دوران متوسطه خود را در بهترین مدارس تهران به لحاظ آموزشی سپری کرده‌اند. هرچند که هریک از ایشان دیدگاه متفاوتی نسبت به فضای کلی مدرسه دارند، اما ایشان بر فضای متشتت مدرسه به لحاظ فرهنگ مذهبی اذعان دارند: «طبیعتاً از مدرسه «ف» من یه فمینیست اومدم به دانشگاه» (خ.ز.د، دانشجوی کارشناسی مهندسی مواد دانشگاه شریف)

با ورود به این دوره است که برای هریک از مصاحبه‌شوندگان تجربه زیسته متفاوتی رقم می‌خورد و در نهایت منجر به تقویت باورهای دینی‌شان می‌شود. آشنایی با دوستانی مذهبی مهم‌ترین عامل پررنگ شدن حضور دین در زندگی فرد در دوران دبیرستان است. نکته و عاملی در این مقطع از روایت فرد وجود دارد که در بخش‌های بعدی هم تأثیر خود را نشان خواهد داد؛ نقش و جذابیت گروه‌های دوستی در فراهم کردن فضایی برای فعالیت‌های مذهبی است.

دوره دانشگاه بدون تغییری خاص آغاز می‌شود؛ اما مصاحبه‌شوندگان، آغاز آشنایی با برخی گروه‌ها مانند نهاد بسیج دانشجویی را به عنوان نقطه‌ای تعیین‌کننده در تجربه زیسته دینی خود در دوره دانشگاه معرفی می‌کنند. دلیل جذابیت و آشنایی ورود افراد به این گروه‌ها نیز همان «جذابیت حلقه‌های دوستانه‌ای» است که در چنین فضاهایی وجود دارد و همانند دوره دبیرستان عامل جذب فرد به این نهادها می‌شود. تمامی این فرازونشیب‌ها نهایتاً به وضعیتی منجر می‌شود که ایشان نسبت خود با دین را در قالب فردی متدین که از دین‌داری خود کمال لذت و رضایت را دارد صورت‌بندی می‌کند.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین فرازونشیب‌های افراد به دوران متوسطه و آشنایی با علم جدید و زیر سؤال رفتن برخی اعتقادات بنیادین باز می‌گردد. برخی مصاحبه‌شوندگان این تغییر را صرفاً امری در درون ذهن و اعتقاد معرفی می‌کنند و تصریح دارند که سعی می‌کنند آن را بروز ندهند. دلیل برخی برای این استراتژی جالب است: احترام به پدر و مادر؛ پدر و مادری که شاید تصور بی‌ایمان بودن فرزندشان آنها را برنجانند.

ایمانی که با آشنایی با «علم» جدید از دل فرد رخت بر بسته بود و فرد چنین احساس می کرد که هیچ منطقی برای ایمان به خدا ندارد، به شیوه‌ای عجیب و در ضمن رویدادهایی خاص دوباره جوانه می زند؛ مانند سفری زیارتی: من بارها و بارها با بچه‌ها سفر مشهد رفتم و این رو به کرات توی بچه‌ها دیدم. اولین اتفاقی که واسه بچه‌ها و آدم‌ها می افتد، یهو یه اتفاقی می افتد دل شون می شکنه و شروع می کنن به گریه کردن، هیچ اتفاق منطقی هم این وسط نمی افتد [...] این خودش به نظرم پنجاه درصد راهه. [...] یه اتفاقی می افتد واقعاً [...] بعدش راه باز می شه، همینیه واقعاً (خ.ز.د.)، دانشجوی کارشناسی مهندسی مواد دانشگاه شریف).

همین رویدادها در زندگی فرد نقطه عطفی می گردد که او ایمان تام و تمامی را از همین نقطه استنتاج می کند، که برخی آن را با تعبیر «نقطه صفر» یاد می کنند. بعد از این رویدادهای خاص، وضعیت فرد با دین به نسبتی تمام عیار بازمی گردد؛ ایمانی کامل و همه جانبه که این بار مستحکم تر از ایمان اولیه شکل گرفته است.

مصاحبه‌شوندگان در محور مبانی معرفت‌شناختی به محدودیت عقول بشری در راه کسب سعادت بشر معترف‌اند و در هنگام تعارض دین با عقل یا علم، جانب دین را مراعات می کنند؛ چراکه از نظر ایشان عقل ناقص و علم متغیر نمی تواند دست‌آویز مناسبی جهت اتکا باشد. بر اساس این دیدگاه، اصولاً تعارضی بین دین و علم یا عقل نمی تواند رخ دهد. همچنین گزاره‌هایی مانند اینکه «آدم با دلش باید بررسی کنه» در بیان تعارض عقل و دین، حاکی از این مطلب است که پشتوانه ایشان برای اتخاذ چنین موضعی، صرفاً استدلال‌های عقلی نبوده و ایشان در باب این مطلب به نوعی اقناع دست یافته‌اند. ایشان علی‌رغم اذعان به مفید بودن عقل و منطقی در زندگی روزمره، اما آن را برای پاسخگویی به همه مسائل کافی نمی دانند.

همچنین از نظر برخی از آنان تعارض حاصل از نظریه تکامل با دین، یک تعارض بدوی بوده و نظریه تکامل نمی تواند بر گزاره‌های دینی مستولی شود:

ببینید تکامل یه کار خوبی که می کنه نیاز سیستم رو از کسی که به وجود آورنده باشه از بین می بره. گرچه تکامل واقعاً هم اتفاق می افتد. این‌هایی هم که فکر می کنن تکامل خیلی با دین در تضاده، اشتباه نمی کنن، ولی عامیانه فکر می کنن که در تضاده (خ.م.خ.)، دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی دانشگاه تهران).

همچنین ایشان در محور انتظار از دین، قائل به حضور پررنگ دین در تمام شئون زندگی افراد هستند؛ حتی برخی پا را از حضور حداکثری دین در زندگی فردی فراتر گذاشته و جهت رسیدن افراد به سعادت قائل به برپایی حکومت و نظام‌سازی دین در ساحت اجتماعی‌اند.

در نهایت مصاحبه‌شوندگان درخصوص نسبت دین و مبانی اخلاقی و ارزش‌شناسی قائل به مبنای دینی و الهی برای اخلاق هستند و صرف نیت خوب (حسن فاعلی) در انجام اعمال را کافی نمی دانند و قائل به اهمیت زیاد صورت ظاهری اعمال (حسن فعلی) مطابق با آنچه خداوند فرموده هستند. حتی ایشان در مواردی که به نظرشان تعارضی بین اخلاق عرفی و احکام و اخلاق دینی است، باز هم بنا بر همین دیدگاه اقناعی که دارند، به نفع دین حکم صادر می کنند:

جایی شده احساس کنید که معیارهای اخلاقی، خیلی دینی به نظر نمی‌رسند و احساس تعارض کنید؟ اگر این احساس را بکنید چی کار می‌کنید؟ در احکام قصاص و جزا و این‌ها به مقدار هست. ولی بیشتر فکر می‌کنم که خوب باز هم حتماً اون دین درست هست. دین درست هست (خ.م.خ، دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی دانشگاه تهران).

در پایان و در تحلیل این گونه می‌توان چنین عنوان داشت که بر اساس چارچوب مفهومی، می‌توان این افراد را از حیث دین‌داری افرادی معتقد به اصول سه‌گانه دین و نیز معتقد به مؤثر بودن این اصول سه‌گانه در اعمال و رفتار دانست که اعتنای عملی به این اعتقاد را نیز دارا هستند. همان‌طور که مرور شد، شالوده‌های باورهای فعلی ایشان بیش از اینکه مبتنی بر استدلال‌های عقلی و مطالعه عمیق شکل گرفته باشد، در بسترهای خانوادگی و حلقه‌های دوستانه برای خ.ز.د. و یا ناشی از رویداد روانی مذکور در ابتدای تحلیل و گفت‌وگوهایی با پدر برای خ.م.خ. است و به تعبیری مبتنی بر اقتناع افراد است. از آنجایی که مصاحبه‌شوندگان بر حضور همه‌جانبه دین در تمامی شئون زندگی اصرار و اذعان دارند، می‌توان نسبت ایشان با دین را ذیل تعبیر دین‌داری کل‌گرای ترکیبی (اقتناعی - استدلالی) صورت‌بندی کرد.

۳. تحلیل گونه استدلالی

هرچند افراد متعلق به این گونه، در کران بالای شاخص‌های دین‌داری قرار می‌گیرند و عمدتاً پاسخ‌های مشابهی به آنها می‌دهند، اما هریک روایتی مختص به خود دارد. به‌طور کلی می‌توان تجربه آنان را تکاپویی معرفی کرد که از خلال نقاط عطفی اجتماعی و نظری برای جست‌وجوی استدلال‌های پذیرفتنی برای باورهای دینی شکل گرفته است. همچنین بسترهای تربیتی دینی در خانواده و محیط‌هایی که ایشان در آن حضور داشتند به همراه پیگیری و جست‌وجو در جهت پاسخ به سؤالات بنیادین دینی خود، مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری طرز تفکر افراد این گونه داشته است.

بسترهای خانوادگی، شبکه ارتباطات اجتماعی، حلقه‌های دوستی و مانند آن سیر تطور نسبت‌های مختلف و متفاوتی که افراد با دین برقرار می‌سازند و حامل درون‌مایه‌های خردمندانه معرفتی بوده که منجر به تقویت سرشت پرسشگری گشته است را صورت می‌دهد. اما با این حال می‌توان این سیر تطور را حرکت و عزیمت از دین‌داری اولیه نااندیشیده در بستر خانواده تا دین‌داری‌ای وثیق دانست که از ایمان ثانویه نااندیشیده و استدلالی برمی‌خیزد:

توی دانشگاه دو تا اردو خیلی روی تقویت قوای مذهبی من تأثیر داشت. یه اردوی طرح ولایت بود که یک ماه و نیم بود و ما اون جا تحت یک سری آموزش‌ها قرار می‌گرفتیم. من اون جا یک سری مفاهیم برام خیلی جالب بود. [اون یکی هم] طرح خدمت‌رسانی بود. این نگاه جهادی داشتن این‌ها خب خیلی برای من جالب بود (خ.ن.ص، دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران).

تمام مواضع و دیدگاه‌های ایشان در قبال شاخص‌های مذکور در ذیل محورهای شش‌گانه را می‌توان بر این اساس توجیه کرد که زمینه اجتماعی و خانوادگی مساعدی برای انتقال الگویی نظام‌مند از دین برای افراد فراهم بوده که از سازواری درونی برخوردار بوده است. علاوه بر آن تتبع و تعمق نظری تدریجی در طول سالیان متمادی تسهیل‌گر این امر بود. این وضعیت به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، سامان منسجم و منطقی‌ای بخشیده است که از سازگاری بالایی برخوردار بوده و پاسخ‌های ایشان را در کران بالای شاخص‌های تنظیم‌شده از حیث دین‌داری قرار می‌دهد:

از بچگی نه بهم گفتن نماز بخون نه به من گفتن قرآن بخون نه به من گفتن روزه بگیر، از این کارها با من نکردن، پونزده سالم هم که شد بابام به من گفت که تا الان بهت نگفتم، از الان هم بهت نمی‌گم؛ چون الان می‌خوام این آبی که داره می‌جوشه از خود چاه باشه، اگر من هی آب بریزم توش دو سال دیگه سه سال دیگه که از خونه من بری با یه باد همه دین‌داری که من بهت خوروندم از دست می‌دی، به خاطر همین عوضش تو خونمون نماز خونه داریم، عوضش نماز ظهر و مغرب و عشاء رو پشت بابام می‌خونم، عوضش هر جلسه ما با هم صحبت می‌کنیم، هر روز داریم در مورد عقل در مورد عدل در مورد این اسما خدا صحبت می‌کنیم (ع.ع، دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه تهران).

درخصوص محور نگرش به دین باید عنوان داشت بنابر اذعان خود مصاحبه‌شوندگان، افراد مسیر مواجهه خود با دین را از تجربه سنتی اولیه که بیشتر مبتنی بر پذیرش و قبول بی‌چون و چرای گزاره‌های دینی است به تجربه‌ای عقلانی مبتنی بر پایه استدلال‌های منطقی و خدشه‌ناپذیر تغییر داده‌اند. مثلاً برخی قائل به توحید فراگیرند و برخی نیز چنین ادعا می‌کنند که نظام باورهای آنان مبتنی بر اصل اعتقادی توحید است و تمامی دیگر مواضع‌شان از این اصل استنتاج‌پذیر است. همچنین مصاحبه‌شوندگان با اذعان به نقش و جایگاه وثیق روحانیون در تبلیغ دین، قائل به حضور ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی هستند: «به نظرم اگر روحانیون خوب حضور پیدا کنند خیلی از مشکلات ما حل می‌شه».

همگی مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مربوط به محور معرفت‌شناختی، موضع‌گیری‌های خود را با این استدلال آغاز می‌کنند که عقل انسان محدود است و از این‌رو برای راهبری تمامی لحظات و شئون زندگی ناکافی است. البته این محدود بودن منافاتی با ملاک و معیار بودن عقل در زندگی ندارد و منجر به تعطیلی آن نمی‌شود. در ادامه مصاحبه‌شوندگان در این محور به جایگاه علم و نسبت و امکان تعارض با وحی می‌پردازند و همگی بدین امر معترف‌اند که علی‌رغم پیشرفت‌های فراوان علوم مختلف، از یک‌سو علم نیز مانند عقل محدودیت دارد و توانایی راهبری کل زندگی را ندارد و از سوی دیگر هیچ‌یک از علوم را یارای معارضه با وحی نیست.

مصاحبه‌شوندگان در محور معرفت‌شناسی نظام سازواری از همزیستی شیوه‌های مختلف شناخت ارائه می‌دهند که به نظر ایشان هر کدام در قلمرو و حیطه خاصی معتبرند. تصویری که ایشان از جایگاه شیوه‌های مختلف شناخت در نظام اندیشه خویش ارائه می‌دهند و نسبتی که میان این شیوه‌های شناخت برقرار می‌سازند آنها را از در افتادن در تناقضات و تعارضات مصون می‌سازد:

ولی اینکه تعارض داشته باشند نمی‌تونند تعارض داشته باشند؛ چون ریشه هر جفت‌شون یکی هست. اگه تعارضی باشه یا از تفسیر غلط ماست نسبت به وحی یا از برداشت غلطی که نسبت به عقلانیت داریم؛ یعنی یه علم غیر یقینی رو داریم با یه علم یقینی مقایسه می‌کنیم اگه این دو تا رهن رو بتونیم حذف‌شون کنیم، نه هیچ تعارضی با هم دیگه پیدا نمی‌کنند (س.س، دانشجوی ارشد هوافضا دانشگاه تهران).

با توجه به نقصان عقل و علم این نتیجه‌گیری مصاحبه‌شوندگان دور از انتظار نیست که این تنها دین است که می‌تواند در تشخیص حقیقت و درک معنای زندگی و راهبری آن سامان‌بخش امور باشد.

در محور انتظار افراد از دین مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که دین اسلام ظرفیت پاسخگویی به تمامی احوالات را دارد، اما در این میان «یا ما نمی‌پرسیم یا بلد نیستیم که پرسیم». جهت دستیابی به پاسخ مناسب و صحیح از دین

باید اقتضائات مسائل روز را به خوبی شناخت و آنها را به خوبی تحلیل کرد. یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌ها جهت رسیدن به پاسخ قابل قبول، نگاه کل‌نگرانه به دین است:

به نظرم آنگاه کل دین رو بفهمیم، یعنی ساختارش رو در بیاری هر چیزی رو بذاریم توش جواب می‌گیریم. ما جزیی نگاه می‌کنیم بعد تو اون جزیی جواب نمی‌گیریم. برای چی می‌گن که حتماً فقیه جامع الشرایط نظر بده؟ اون یعنی اینکه من این کل رو درک کردم حالا مثلاً می‌فهمم که این چه نسبتی با کل این مجموعه داره، می‌تونم راحت در موردش قضاوت کنم (خ.ن.ص، دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران).

بر اساس همین دیدگاه کهنگی‌ناپذیری و زاینده‌گی دین اسلام است که همگی ایشان قائل‌اند که دین برنامه جامع برای تمام شئون زندگی انسان‌ها را دارد و واجد توانایی لازم جهت ورود حداکثری در ساحت‌های مختلف زندگی است. در نهایت روند تطور تجارب زیسته دینی ایشان را می‌توان ذیل الگوی حرکت از دین‌داری به مثابه «امری بسیار مهم»، اما نه فراگیر در تمام شئون، به دین‌داری «کل‌گرایانه‌ای» دانست، که در آن تمامی زندگی فردی و اجتماعی، دینی انگاشته می‌شود.

در محور انسان‌شناسی به‌زعم مصاحبه‌شوندگان: «مرز آزادی انسان رو بازم دین مشخص می‌کنه». همچنین نگاه تکلیف‌محور به‌روشنی در آرای مصاحبه‌شوندگان مشهود است که منجر می‌شود ایشان از خودآیینی و تکلیف‌گریزی پرهیز و پروا داشته باشند.

به‌طور کلی می‌توان نگاه مصاحبه‌شوندگان درخصوص هدف و غایت زندگی را در عبارت: «هدف رسیدن به قرب الهی هست، ولی مسخره هم نیست خیلی حرف مهمیه، شالوده زندگی هست رسیدن به همون» جست‌وجو کرد. همچنین به‌طور موجز می‌توان گفت که نگاه کل‌گرایانه افراد این‌گونه، به مناسبات دنیا و آخرت نیز سرایت کرده است و ایشان آخرت را در امتداد دنیا معنا می‌کنند و همه تلاش‌شان در زندگی دنیا حرکت در جهت هم‌راستا کردن دنیا با مرگ و زندگی پس از آن است.

در محور ناظر به ساحت اخلاقیات، از نگاه مصاحبه‌شوندگان این‌گونه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دین در دوره جدید، بحث اخلاق فارغ از دین است که به صورت جدی سبب سست شدن اندیشه دینی افراد می‌شود:

اون‌ها ضد اسلامند، ولی آدم احساس می‌کنه که چقدر مؤدب هستند. ما با پدیده ایلای کردن خیلی مواجه هستیم؛ هفت سال اون‌جا بودیم یه بار نشد کارمند بانک با غیر از لب‌خند از ما استقبال کنه. خوب واقعاً این شبهه یکی از مؤثرترین شبهه‌هایی هست که جامعه ما، جوون‌های ما، حتی میانسال‌های ما و حتی خانواده‌های ما رو تحت تأثیر گذاشته. اینکه من تو اروپا اسلام رو بیشتر دیدم و مسلمون رو کمتر، این هم از همین قبیل هست، حرفی که شاید خیلی‌ها بگن (ر.د، دانشجوی ارشد اقتصاد دانشگاه شریف).

اما از نظر افراد این‌گونه باید میان اخلاق انسانی که حداقل مراتب انسانی به آن وابسته است با اخلاق دینی که کمال انسانیت در آن است، تفکیک قائل شد؛ چراکه اخلاق انسانی مرز میان انسانیت و حیوانیت محسوب می‌شود و انسان‌ها به مقتضای فطرت خود همه واجد آن هستند. بر این اساس بدون مراجعه به دین، انسان نمی‌تواند حقایق والای اخلاقی را دریابد و اساساً معناداری اخلاق در گرو ریشه‌داری آن در دین است.

در نهایت و بر اساس چارچوب مفهومی صورت‌بندی‌شده، می‌توان افراد این‌گونه را از حیث دین‌داری افرادی معتقد به اصول سه‌گانه دین و نیز معتقد به مؤثر بودن این اصول سه‌گانه در اعمال و رفتار دانست که اعتنای عملی به این اعتقاد را نیز دارا هستند و مبنای باورهای فعلی ایشان بر اساس شیوه استدلالی است. از آنجایی که مصاحبه‌شوندگان بر حضور همه‌جانبه دین در تمامی شئون زندگی اصرار و اذعان دارند، می‌توان ایشان را کل‌گرای استدلالی دینی نامید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در ادامه پژوهش‌های گذشته پیرامون گونه‌شناسی دین‌داران، توجه خود را به قشر نخبه دانشگاهی معطل ساخت. در این پژوهش به مقنضی روش داده‌بنیاد از چارچوبی مفهومی متشکل از ۲۳ مؤلفه ذیل شش محور جهت سنجش دین‌داری معرفتی مصاحبه‌شوندگان و به‌عنوان محورهای گفت‌وگو با آنان استفاده شد. این شش محور که می‌توان در چارچوب آنها به‌طور جامع رابطه مواضع معرفتی فرد با دین را بررسی کرد، عبارت بودند از: «نگرش به دین»، «انتظار از دین»، «مبنای معرفت‌شناختی»، «مبنای انسان‌شناختی»، «مبنای غایت‌شناختی» و «مبنای اخلاق و ارزش‌شناختی». تحلیل داده‌ها نمایانگر تمایز چهار دسته «غیرمعتقدین به اصول دین»، «غیرمعتقدین به شریعت»، «معتقدین به شریعت» و «کل‌گرایان دینی» است و در این تحقیق به سبب تنوع و گستردگی داده‌ها تنها به مطالعه مواضع معرفتی دانشجویان کل‌گرا پرداخته شد. در بررسی این دسته افراد دین‌دار معتقد به شریعت و اعتنامند در عمل کل‌گرا سه‌گونه احتیاطی، ترکیبی (اقناعی - استدلالی) و استدلالی به‌دست آمد. این گونه‌شناسی و مفهوم‌پردازی که سعی در کنکاش میان افراد سطح بالا به لحاظ شاخص‌های دین‌داری دارد از نوآوری‌ها و دستاوردهای اختصاصی این پژوهش است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش در میان سایر گونه‌ها و طیف ضعیف دین‌داری می‌توان مهم‌ترین عواملی که سبب تضعیف و به حاشیه راندن دین‌داری در میان جوانان می‌شود را بدین شرح عنوان داشت: بسنده کردن به آموزه‌ها و باورهای سنتی دینی رایج در میان خانواده‌ها و یا اجبار در پذیرفتن برخی گزاره‌ها یا مناسک دینی، وجود الگوهای فکری نامناسب که با القای شبهات بدون پاسخ منجر به آشفته‌گی فکری این قشر می‌شوند، جمع‌ها و حلقه‌های دوستی‌ای که با توجه به عدم کفایت معرفتی ایشان درخصوص مبانی دینی منجر به ایجاد سوگیری‌های ذهنی و عملی می‌شوند.

از زوایای کلان، شاید بتوان عنوان داشت که وضعیت دین‌داری در بین نوجوانان و جوانان را می‌توان حرکت از دین‌داری اولیه‌ای که غالباً سنتی است به سوی دین‌داری ثانویه‌ای دانست که بتواند خوانشی از دین ارائه دهد که امکان حیات در دنیای جدید را داشته باشد. برای توضیح بیشتر باید گفت که با توجه به زمینه‌های رایج دینی و مذهبی در کشور ایران، اکثر نوجوانان و جوانان با گزاره‌ها و مناسک دینی آشنا هستند و می‌توان گفت که با توجه به بسترهای خانوادگی و دینی موجود در جامعه - علی‌رغم شدت و ضعف‌های آن - فی‌الجمله در زمره دین‌داران به‌حساب می‌آیند. اما این شیوه دین‌داری سنتی در دنیای کنونی صرفاً توانایی مقابله و پاسخگویی با مسائل اندکی از زندگی روزمره جدید را دارد و افراد

با ورود به دورهٔ نوجوانی با مسائل و شبهاتی مواجه می‌شوند که دین‌داری ایشان را دچار شک و تردیدهای جدی قرار می‌دهد و به تعبیر شهید مطهری وارد مرحلهٔ شک مقدس (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۶۹) می‌شوند.

اما شاید بتوان تفاوت افراد گونه‌های پرداخته‌شده در این مقاله که در کران بالای شاخص‌های دین‌داری قرار دارند را با سایر افراد گونه‌های دیگر که به لحاظ دین‌داری دچار ضعف هستند، در تحلیل بسترها و پیش‌زمینه‌های مذهبی افراد این گونه‌ها از یک سو و پی‌جویی سؤالات و مسائل خود از منابع قابل اعتماد دینی دانست که منجر شده است تا ایشان در مواجهه با شبهات مرتبط با دین، پاسخ‌هایی را برگزینند که حاکی از حضور همه‌جانبهٔ دین به لحاظ معرفتی و عملی در زندگی ایشان است. به‌عنوان نمونه در همهٔ سه‌گونهٔ بررسی‌شده در این مقاله شاهد حضور پررنگ و نقش جدی خانواده‌ها در تربیت دینی و رشد و نمو باورهای مذهبی و القای آنها هستیم، به‌طوری‌که فرزندان‌شان دین را نه به‌عنوان امری نااندیشیده و تکلف‌آمیز، بلکه به‌عنوان امری آگاهانه و از روی اختیار در برابر سایر گزینه‌های موجود انتخاب کرده‌اند. علی‌رغم اذعان سه‌گونهٔ مورد بررسی در این مقاله به اینکه دین باید در زندگی فردی و اجتماعی حضور جدی داشته باشد و همچنین خود این افراد نیز به لحاظ عملی در اجرای آموزه‌های دینی اهتمام ویژه‌ای داشتند، اما وجههٔ متمایز این سه‌گونهٔ کل‌گرای دینی را باید در ابعاد معرفتی التزام به باورهای دینی دانست. همان‌طور که از نام گونهٔ احتیاطی پیداست، التزام به تمامی آموزه‌های دینی صرفاً به‌وسیلهٔ دلیل و برهان نبوده است، بلکه در خیلی از مواردی که حتی فرد از بیان علت و حکمت آموزه‌های دینی ناتوان است، بنابر پیش‌زمینهٔ قوی دینی که وی در آن تربیت یافته است، حکم به بطلان گزاره‌های غیردینی کرده و در عمل نیز جانب آموزه‌های دینی را مراعات می‌نماید. به‌عنوان نمونه یکی از افراد متعلق به این گونه، علی‌رغم وجود برخی از شبهات مطرح‌شده درخصوص ولی فقیه، کماکان ایشان را به‌عنوان مرجع تقلید و ولی فقیه خود کاملاً قبول داشت. در گونهٔ ترکیبی (اقتناعی - استدلالی) علاوه بر مراعات عملی آموزه‌های دینی فرد درصدد جست‌وجوی دلایلی منطقی برای پاره‌ای از گزاره‌های مورد ابتلای خود و همچنین پاسخ به مخالفان آموزه‌های دینی است.

در گونهٔ استدلالی، نه‌تنها ما شاهد التزام عملی قوی افراد این گونه هستیم که از طریق تربیت خانوادگی بدیشان منتقل شده، بلکه ایشان با پی‌جویی مبانی و مبادی گزاره‌های دینی و مطالعات مختلف نظری‌ای که دارند، سعی در فهم عمیق آنها در وهلهٔ نخست و در هنگام مواجهه با گزاره‌های رقیب سعی در غلبه بر آنها در گام بعد دارند تا در این خلال بتوانند حضور حداکثری دین در تمامی عرصه‌های اجتماعی و فردی را وجیه و قابل قبول نمایند. ایشان کل زندگی خویش را در رسیدن به چنین هدفی سامان داده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از افراد این گونه به همراه مجموعه قرآنی سعی در «تولید علم» دارد تا نشان دهد که وزان آموزه‌های دینی نه تنها در حد صرف گزاره‌های اخلاقی غیرالزام‌آور نیست، بلکه قابلیت رقابت با محکم‌ترین گزاره‌های علمی را نیز دارد.

منابع

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). *لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- اشتروس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها)*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الهی‌راد، صفدر (۱۳۹۵). *انسان‌شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- افلاطون (۱۳۸۰). *دوره آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. تهران: خوارزمی.
- آرون، ریمون (۱۳۸۶). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
- برگر، پیتر و دیگران (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی)*. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نشر نی.
- پارسانیا، حمید (۱۴۰۱). *رساناس دینی و سکولاریسم پنهان*. تهران: کتاب فردا.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۰). *انتظار بشر از دین*. قم: اسراء.
- حسن‌پور، آرش و ربانی، علی (۱۳۹۳). *نقد مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری و ارائه چارچوبی نو*. راهبرد فرهنگ، ۷(۲۸)، ۶۱-۹۰.
- حسن‌پور، آرش و شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی دین‌داری جوانان شهر*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۴)، ۱۷-۳۹.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۹). *هنر انجام پژوهش کیفی: از مسئله‌یابی تا نگارش*. تهران: آگاه.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰). *دین، جامعه و عرفی‌شدن*. تهران: نشر مرکز.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۴). *ضرورت و امکان سنجش دین‌داری*. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۹(۳)، ۱۱۰-۱۳۱.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸الف). *شیعه در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸ب). *قرآن در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- کرسول، جان (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد*. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.
- کلانتری، عبدالحسین و دیگران (۱۴۰۰). *مطالعه کیفی مکانیزم‌های یادآوری و غفلت از مرگ*. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۴)، ۱-۲۰.
- کیمانی، فضل‌الله (۱۳۵۱). *ماهیت و منشأ دین*. تهران: فراهانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۴۰۰). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: لوگوس.
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۵). *مبانی اندیشه اسلامی ۴: فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *آزادی معنوی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). *دین و اخلاق*. آیین مهر، ۱۶، ۱۳-۱۶.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- یاری‌بیگی درویشوند، محمد و دیگران (۱۴۰۳). *طراحی و ارزیابی الگوی سنجش دین‌داری با رهیافت بومی: با تأکید بر بعد معرفتی*. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱۴(۱)، ۳۸-۶۵.

Berger, peter L. (1967). *The sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. New York: Doubleday and Co.

Durkheim, E. (1915). *The Elementary Forms of the Religious life*. London: Allen and Unwin.

Luckmann, T. (1963). On Religion in Modern Society: Individual Consciousness, World View, Institution. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2 (2), 147-162.

The American Heritage College Dictionary. (2002). Fourth Edition. Boston: Houghton Mifflin Company.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱. باتوجه به اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش و تعهد تیم تحقیقاتی و همچنین بنابر برخی ملاحظات، از اسامی غیرحقیقی جهت اشاره به نام افراد، مکان‌ها، کتب و سایر اسامی اعلام استفاده شده است.
- ^۲. مصاحبه‌شوندگانی که خانم هستند، ابتدای نام مستعار آنها از «خ.» استفاده شده است.

